

نسبت هویت با نوسازی شهر

تجربیات نوسازی معاصر از دید هویت شهری

چکیده | نوسازی معاصر در ابتدا بر این فرض استوار بود که با نوسازی کالبد خیابان‌ها و ساختمان‌ها بی‌نیاز از توجه به تاریخ و زمینه موجود، زندگی شهری نیز نو می‌شود. اما در کمتر از دو دهه بروز ناامنی و ناپایداری اجتماعی در محلات نوسازی شده، ضمن بطلان این فرض، این سؤال را مطرح کرد که تحقق نوسازی کامل که در آن امنیت و تعلق خاطر به عنوان شرایط اصلی سکونت مطلوب تأمین شود نیازمند چیست و چه نسبتی با هویت و زمینه شهری موجود دارد. در این راستا مقاله حاضر ابتدا به معرفی مفهوم هویت شهری می‌پردازد که در آن تداوم تاریخی و وابستگی به ذهن انسانی دو بعد اصلی معرفی می‌شوند. سپس تأثیر هویت بر ایجاد امنیت محیطی با استفاده از نتایج مطالعات اجتماعی انجام شده بررسی می‌شود. طبق این مطالعات هویت محله‌ای عاملی مناسب برای رشد و ارتقای تعلق خاطر، تعهد و مشارکت افراد در محله است و می‌تواند حس کنترل و نظارت اجتماعی را در محله ارتقا دهد. در نتیجه در محله‌هایی که هویت محله‌ای قوی‌تری دارند، نظارت اجتماعی و در نتیجه امنیت و گرایش کمتری به ناهنجاری‌ها وجود دارد. در بخش سوم ضمن تحلیلی کوتاه از رویکرد نوسازی کالبد محور (مدرن)، دو پروژه پروت ایگو در سنت لوئیس آمریکا و نواب تهران به عنوان دو نمونه، با معیارهای هویت و امنیت ارزیابی می‌شوند و فرایند ایجاد فضای ناامن و جرم خیز در آنها تحلیل می‌شود. نتایج این تحلیل بیان‌گر این است که با نادیده گرفتن زمینه‌های تاریخی و فرهنگی موجود، فضایی با هویت ضعیف، تولید می‌شود که هیچ تعلق خاطر را در ساکنانش نمی‌انگیزد و باعث مهاجرت و تغییر ترکیب اجتماعی و کاهش انگیزه مشارکت و کنترل می‌شود. این دو عامل بر ایجاد ناامنی و جرم‌خیزی محیط تأثیر می‌گذارند. نتیجه نهایی مقاله اشاراتی به جایگاه هویت شهری در تهیه طرح نوسازی در راستای تحقق نوسازی کامل و تأمین امنیت محیطی خواهد داشت.

تصویر
Pic1



واژگان کلیدی | نوسازی شهری، هویت، امنیت، نوسازی معاصر، پروژه نواب.

محمود تیموری
پژوهشگر دکتری
معماری، دانشگاه
پاریس، فرانسه



mtimoury@gmail.com

تصویر ۱: مجموعه پروت ایگو، برج‌هایی که جایگزین ردیف خانه‌های حیاط‌دار شدند. سنت لوئیس، ایالت میسوری، آمریکا.
مأخذ: <http://tjrhino1.umsl.edu>

Pic1. Rows houses and courtyards were replaced with tower, St. Louis, Missouri, USA.
Source: <http://tjrhino1.umsl.edu>

قبیل ویژگی‌های ظاهری شهر یا صفات ساختاری آن نیستند، بلکه همه مؤلفه‌های برآمده از زمینه‌های اجتماعی، کالبدی و فرهنگی شهر به شرط تداوم می‌توانند هویت‌ساز باشند. دیگر وجه مهم هویت شهر، وابستگی آن به ذهنیت انسان (به عنوان مُدرک) یا عینی. ذهنی بودن است. هویت محیط مستقل از انسان نیست، بلکه مفهومی نسبی است که از یک طرف به انسان برمی‌گردد و از طرف دیگر به محیط بستگی دارد. مکان و مخاطب آن، غیر قابل تفکیک هستند و برای مکان واقعیت مستقلی به نام هویت وجود ندارد. هویت همواره به تعبیر انسان معطوف است، زیرا این انسان است که هویت را شکل می‌دهد و واقعیت می‌بخشد و هویت مکان بدون حضور انسان واقعیت ملموسی نخواهد بود (Prevel, 2006).

هویت شهری و امنیت

هویت به عنوان مفهومی مرتبط با ساحت وجودی محیط، سه کارکرد مهم در کیفیت سکونت انسان ایفا می‌کند که به طور خلاصه عبارتند از: کارکرد بنیادی، کارکرد عاطفی (روانی) و کارکرد شناختی. آنچه به رابطه هویت و امنیت محیط مربوط می‌شود، کارکرد عاطفی (روانی) است. هویت مکان، باعث افزایش حس تعلق بین انسان و محیط و ایجاد یک لنگرگاه و پناهگاه ذهنی و روانی برای او می‌شود. به تعبیر «شولتز» احراز هویت (مکان در نزد انسان) به معنای احساس دوستی با محیط است که به احساس تعلق خاطر درونی و وابستگی روحی منجر می‌شود. هویت مکان احساس امنیت عاطفی و لذت از مکان را در انسان به وجود می‌آورد و باعث بهتر شدن رفتار او در فضا می‌شود (محمودی نژاد، پورمند و رنج‌آزمای آذری، ۱۳۸۹). در بعد جمعی، هویت محیطی بر ساخت جامعه و رفتارهای جمعی انسان مؤثر است. در پژوهش «نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای ناهنجار اجتماعی» که با تالیف نظرات جامعه‌شناسی شهری (محله‌گرایی) و کنترل اجتماعی، به بررسی رابطه بین هویت محله‌ای و کنترل اجتماعی پرداخته، الگوی نظری تأثیر هویت محله‌ای بر نفی گرایش به ناهنجاری (دیاکرام) مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش هویت محله‌ای عاملی مناسب برای رشد و ارتقای وابستگی (تعلق خاطر)، تعهد و مشارکت افراد در محله شناخته می‌شود و می‌تواند از این طریق اساس کنترل و نظارت اجتماعی را در محله بالا ببرد و مانع از گرایش افراد به رفتارهای ناهنجار در محله شود (معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹). بعد از آزمون فرضیه در ۶ محله مختلف شهر تهران، مشخص شد متغیر هویت محله‌ای به لحاظ اثر کل (اثر مستقیم و غیر مستقیم) بیشتر از بقیه متغیرها بر عدم گرایش به ناهنجاری اثرگذار بوده است و بیشتر از طریق غیر مستقیم و تقویت متغیرهای مشارکت، تعهد و احساس نظارت توانسته گرایش به ناهنجاری را کاهش دهد. بنابراین در محله‌هایی که هویت قوی‌تری دارند، نظارت اجتماعی و در نتیجه امنیت بیشتر و گرایش کمتری به ناهنجاری‌ها وجود دارد (همان).

نقش هویت در نظریه "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" (CPTED)^۲ به عنوان یکی از راهبردهای مکانیکی پیشگیرانه مطرح است. از مجموعه اصول این نظریه، "تعیین قلمرو" و "تصویر فضا" مواردی هستند که هویت مندی محیط در آنها نقش دارد. این اصول بر این نکته اشاره دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا به درک ساکنین و محله‌های مجاور از آن فضا بستگی دارد. تمایز عرصه‌های خصوصی و عمومی (قلمرو) و تصویر ذهنی مناسب از محیط در میان ساکنین، علاوه بر افزایش احساس تعلق به فضا، این حس را القا می‌کند که محله دارای فضای امنی است و جرم و ناامنی در این محیط با واکنش روبه‌رو خواهد شد (محمودی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸). پس از بررسی رابطه هویت شهری و امنیت، در ادامه تجربیات نوسازی معاصر با این دو معیار مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

هویت و امنیت در تجربیات نوسازی معاصر

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ضرورت بازسازی سریع و کمبود شدید مسکن، باعث مطرح شدن نوسازی حداکثری و تغییر الگوی^۳ بافت شد که در آن مداخلات گسترده

مقدمه | با گذشت بیش از چهار دهه تجربه رسمی نوسازی شهری در ایران، مرور نتایج این دوره به منظور درس گرفتن و اصلاح نقاط ضعف، ضروری به نظر می‌رسد. در ایران نیز همچون سایر کشورها، در ابتدا نوسازی در مجموعه نیازهای کالبدی تعریف می‌شد. خیابان‌کشی، تعریض معابر یا بازسازی کلی و جزئی مناطق فرسوده از جمله عملیات معمول بودند که فرایند نوسازی شهری معطوف به آنها بود. در یک توصیف اجمالی، طی این عملیات مناطقی با ساختمان‌هایی فرسوده و معابری کم‌عرض، تخریب شدند به گونه‌ای که نظمی نو جایگزین نابسامانی کهنه شود. احداث خیابان‌های عریض که دسترسی اتومبیل را به همه جا ممکن می‌کرد، از اقدامات نوسازی شهری بود. ساختمان‌هایی منظم و چند طبقه ساخته شد که کمبود مسکن را برطرف می‌کرد و امکانات زندگی جدید را در خود داشت. این نگاه که نوسازی راه و ساختمان، می‌تواند جامعه را نو کند، در عمل محقق نشد و خلاف آن اثبات شد. با اینکه نوسازی در ابتدا امری ساده و محدود به تخریب زاغه‌ها و عملیات بولدورزی به نظر می‌رسید ولی در آخر مشخص شد امری پیچیده است که با اثرگذاری بر گروه‌های انسانی باعث انقلابی در ساختارهای محلی و اجتماعی می‌شود و با تغییرات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و حیات جمعی مردم همراه است. نوسازی و بازگرداندن زندگی و نشاط به شهر، به گذشته و تاریخ انسان‌های مختلف با ساختارهای اجتماعی متنوع وابسته است (Abram, 1999). هویت و امنیت از جمله مقوله‌های ضروری هستند که در نوسازی کالبد محور مغفول مانده‌اند. این مقاله ضمن ارائه خلاصه‌ای از مفهوم هویت و تأثیر آن در امنیت محیطی، بر کارنامه نوسازی معاصر از این دید مروری خواهد داشت.

مفهوم هویت شهر

همان‌طور که در فلسفه ایرانی اسلامی تبیین شده، هویت به عنوان مفهومی مرتبط با ساحت وجودی پدیده‌ها، رابطه‌ای پویا و مرکب از دو قطب متناقض ولی مکمل تداوم تغییر است. در حوزه شهر و محیط، این مفهوم به تداوم تاریخی شهر مطابق با تغییرات و نیازهای جدید معنی کرده در آن همه زمینه‌های وجودی شهر شامل کالبد، فعالیت و معنا حضوری متعامل دارند. مؤلفه‌های سازنده هویت شهر، لزوماً نوع یا گونه خاصی از ویژگی‌ها و عناصر شهری از



معیار	شاخص	شرح
وجود امنیت	فضاهای نا امن	عدم امنیت ناشی از تجمع معتادان و بزه‌کاران در فضاهای خالی و پنهان زیر مجتمع‌ها نارضایتی ساکنین از ناامنی در طبقات همکف، راهرو و سایر فضاهای کم‌تردد
	سرقت	اظهار حدود ۴۲ درصد از ساکنین به مشاهده سرقت در مجموعه در حد متوسط و زیاد
	اعتیاد	اظهار به مشاهده معضل اعتیاد و تجمع معتادان در محدوده توسط نیمی از ساکنین مشاهده فروش مواد مخدر توسط ۳۸ درصد از ساکنین در محدوده در حد متوسط و زیاد
امنیت در فضای عمومی		مشاهده بروز مشکلاتی چون مزاحمت و ضرب و شتم در فضاهای عمومی که از شمال به جنوب محدوده افزایش پیدا می‌کند. مشکل عدم امنیت از دیدگاه حدود ۱۵ درصد از ساکنین نواب به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات محله
	تعلق ساکنین جدید به محله	عدم آشنایی بیش از ۵۰ درصد ساکنین با این محله تا قبل از سکونت، دوره اقامت کوتاه و تمایل به تغییر محل
تعلق خاطر	ضربیت ماندگاری (نقل مکان از محله)	نارضایتی از محله مسکونی (کمبود امکانات، عدم امنیت و آلودگی) نارضایتی از واحد مسکونی به عنوان یکی از دلایل اصلی عدم حس تعلق سطح پایین روابط همسایگی و اجتماعی (میانگین دو شاخص روابط همسایگی و روابط اجتماعی به عنوان یکی از انگیزه‌های حس تعلق)

با بافت جمعیت مشابه و ساختمان‌های حیاط‌دار کم ارتفاع، با کاربردی کاملاً مسکونی و بدون مشکل باقی مانده بود. (Ibid) در مجموعه پروت ایگو عدم تعریف و تفکیک فضای عمومی و خصوصی، باعث نزاع بین ساکنین می‌شد. بی‌توجهی به مدیریت محوطه‌ها و قلمروهای عمومی و خصوصی باعث ناامنی، تخریب و شیوع رفتارهای ضداجتماعی شد، به طوری که زن‌ها مجبور بودند دسته جمعی به خرید بروند. عدم تطبیق نیاز و فرهنگ ساکنین با شرایط آپارتمان‌ها موجب شد، ترکیب جمعیتی ساکن به تدریج به گروه‌های خاص بزه‌کار تبدیل شود و مجموعه به عنوان محلی خطرناک و جرم‌خیز مشهور شود (Lang, 2005). پس از شکست ایده‌های بهسازی در ۱۹۷۱، به تدریج از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ همه ساختمان‌ها کاملاً تخریب شدند. به این ترتیب پروژه‌ای که در ابتدا به خاطر توجه به مردم فرودست تحسین شده بود، بعد از دو دهه ناپدید شد و به عنوان سمبل شکست معماری مدرنیسم شهرت جهانی پیدا کرد (تصویر ۲).

دلایل گوناگونی برای شکست این پروژه بیان شده است ولی عدم توجه به هویت محلی موجود و شرایط خاص فرهنگی اجتماعی آن، دلیل اصلی این شکست است. عدم تعلق ساکنین ناشی از ضعف هویت محله به همراه مشکلات مدیریتی و کمبود تجهیزات شهری، دومینویی را ایجاد می‌کند که منجر به تصویر منفی مردم از محله و کاهش تقاضای سکونت، افزایش هزینه‌های نگهداری، تخلیه و مهاجرت ساکنین اصلی و در نهایت ورود مهاجران و افزایش جرم و ناامنی می‌شود.

هویت و امنیت در پروژه نواب تهران

در پروژه نوسازی نواب همانند پروژه پروت ایگو با تخریب املاک موجود و مجتمع‌های ساختمانی که تناسبی با هویت و زمینه موجود نداشتند، ساختار محلات از هم گسست. در نزد برنامه‌ریزان و طراحان این پروژه، بافت موجود هویت و ارزشی برای ملاحظه نداشت. هدف این پروژه علاوه بر تکمیل بزرگراه و نوسازی املاک محدوده طرح، ایجاد محرک و الگویی برای سرایت نوسازی به محلات فشرده مرکز و غرب تهران بود، اما نتیجه آن، ساخت مجموعه‌های مسکونی شد که کیفیت سکونت‌شان به ویژه از بعد هویت (تعلق خاطر) و امنیت محیط کمتر از محلات مجاور شد. جدول ۱ که نتایج ارزیابی و بررسی میدانی مجموعه نواب را با شاخص‌های امنیت و تعلق خاطر نشان می‌دهد مؤید این مطلب است. علی‌رغم قیمت پایین واحدهای مسکونی و رضایت نسبی ساکنان از نقشه آپارتمان‌ها، تعلق خاطر به نواب کم است و به مجتمع‌ها بیش از یک محل زندگی دراز مدت، به مانند یک محل گذر نگاه می‌شود. بیشترین ضریب عدم موفقیت پروژه از لحاظ اجتماعی در ایجاد حس امنیت است که بیش از هر چیز به علت وجود فضاهای متروکه و پنهان متعدد در میان مجتمع‌ها و زیرگذر آنها مربوط می‌شود. علاوه بر این تجمع معتادان و فروشندگان

نسبت به بهسازی با مداخلات محدود یا موردی ترجیح داشت. این نوسازی که روش و محتوای خود را از منشور آتن ۱۹۳۳ وام می‌گرفت، در چارچوب طرح‌های جامع و تفصیلی، اصلاح شهر را فقط در نقشه‌های کاربری زمین و شبکه معابر جستجو می‌کرد. افزایش تعداد اتومبیل‌ها و ترافیک که چالش اصلی شهرها به نظر می‌آمد، طرح‌های جاده‌ای را به راهبرد محوری این نوسازی تبدیل کرد. این راهبرد در محله‌های فرودست که ظاهراً فاقد هویت شهری بودند به صورت تخریب و پاک‌سازی کامل اجرا شد (تیزدل، اوک و هیث، ۱۳۷۹). به این ترتیب در نگرش کالبدمحور نوسازی مدرن، زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نادیده گرفته شدند و بافت شهر مانند صفحه‌ای سفید، پذیرای فرم‌های آرمانی شد. به بیان دیگر دو رابطه اساسی هویت شهری یعنی ارتباط با تاریخ (تداوم تاریخی) و انطباق با درک انسانی (فرهنگ جمعی) از هم گسسته شدند. حاصل این شیوه، محلاتی منظم با معابر فراخ و ساختمان‌هایی هندسی و مطبق بود که به هیچ‌کجا شباهت نداشتند. در ابتدا انتظار می‌رفت این محلات سکونت مطلوبی را فراهم سازند ولی با گذشت چندی، مشکلات متعدد اجتماعی از جمله ناامنی، باعث متروکه شدن و در برخی موارد تخریب آنها شد.

پروت ایگو

پروژه پروت ایگو (۱۹۵۴) براساس ایده‌های منشور آتن در شهر سنت لوئیس ایالت میسوری (St. Louis, Missouri) آمریکا ساخته شد. طراحی مجموعه که توسط «یاماساکی» در ۱۹۵۰ انجام گرفته بود در سال بعد با نام «جراحی زاغه‌ها در سنت لوئیس» جایزه انجمن معماری به عنوان «بهترین آپارتمان بلندمرتبه سال» را دریافت کرد. پروژه شامل ۳۳ ساختمان ۱۱ طبقه در یک زمین ۲۳ هکتاری حاصل از تخریب و پاک‌سازی بافت موجود بود که در مجموع ۲۸۷۰ واحد مسکونی (ظرفیت جمعیت ۱۱۰۰۰ نفر) را در بر می‌گرفت (تصویر ۱). برای ایجاد سکونت مطلوب جمعی و افزایش تعاملات اجتماعی، در طبقات چهارم، هفتم و دهم امکانات عمومی از قبیل رختشویی خانه و گالری (سالنی به عنوان فضای بازی کودکان و فضای تجمع بزرگسالان) در نظر گرفته شده بود (Newman, 1996). هرچند در ابتدا پروژه به عنوان پیشرفتی غیرمنتظرانه در نوسازی شهری معرفی می‌شد و سازندگان در تبلیغات خود، آن را سرمایه‌گذاری در یک پروژه ملی می‌نامیدند ولی واقعیت نتیجه متفاوتی را رقم زد.

در سال اول فقط ۱۰ درصد واحدها خالی ماند ولی به مرور زمان با خروج ساکنین از محله، واحدهای خالی و متروک بیشتر و بیشتر شدند. به طوری که در میانه دهه ۶۰ این مجموعه تقریباً رها و متروکه شد و ۱۵ سال بعد در ۱۹۷۱ فقط ۶۰۰ نفر در ۱۷ ساختمان آن ساکن بودند. در حالی که در همین مدت، محله مجاور به نام 'Carr village' که محله‌ای



تصویر ۴: تخریب و پاکسازی تاریخ و خاطرات محله در پروژه نواب، خیابان قدیمی نواب در میانه تصویر مشخص است. ماخذ: آرشیو سازمان نوسازی شهر تهران.

Pic 4: Demolition and clearing the history and memories in Navab project, the Old Street of Navab can be seen in the middle of the picture.
Source: Tehran renovation organization archive.

تصویر ۳: ناهماهنگی بلوک‌های درشت نواب با بافت موجود، فضاهای رها شده و بی‌کیفیتی را به وجود آورده است، عکس: مهسا حبیبی، ۱۳۹۲.

Pic3: Uncoordinated large blocks of Navab with the context, has resulted in abandoned and poor spaces, Photo: Mahsa Habibi, 2014.



مواد مخدر نیز بر ناامنی این محل می‌افزاید (مهندسين مشاور طرح و معماری، ۱۳۸۹). از دیدگاه هویت محیط، روند ایجاد فضای ناامن در این شیوه نوسازی را می‌توان این گونه تحلیل کرد: با نادیده گرفتن زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی موجود، فضایی با هویت ضعیف، انتزاعی و بکنواخت تولید می‌شود که به عنوان مسکن، هیچ تعلق خاطری را در ساکنانش بر نمی‌انگیزد. احساس عدم تعلق هم‌زمان باعث کاهش انگیزه مشارکت و کنترل در ساکنین و مهاجرت آنها و تغییر ترکیب اجتماعی می‌شود. این دو عامل بر ایجاد ناامنی و جرم‌خیزی محیط تأثیر می‌گذارند (تصاویر ۳ و ۴).

جمع‌بندی |

- نوسازی شهری تنها از طریق نو ساختن ساختمان‌ها و معابر میسر نمی‌شود، بلکه لازمه آن توجه به مجموعه پدیده و پنهان ویژگی‌های ذاتی حیات شهری از جمله هویت است که حاصل تعامل ابعاد کالبدی، فعالیتی و معنایی در طول زمان است.
- در رویکرد نوسازی مدرنیستی، نگرش کالبدی صرف و عدم ملاحظه هویت محلی و ابعاد اجتماعی فرهنگی آن، باعث شد محلات نوسازی شده علی‌رغم کیفیت کالبدی مثل استحکام، سیمای منظم و امکانات جدید رفاهی، فاقد هویت شهری قابل قبول باشند. ضعف هویت محلی در این محلات، چرخه نادرستی را به وجود می‌آورد که در آن، عدم ثبات ترکیب اجتماعی و کاهش زمان سکونت همراه با عدم تعهد، مشارکت و مسئولیت باعث شکل‌گیری ناامنی محیطی می‌شود.
- هویت نقش و کارکردی بنیادی در تأمین کیفیت سکونت انسان دارد و از طریق برانگیختن احساس تعلق خاطر به محیط، مشارکت، تعهد و کنترل را تقویت می‌کند و در تأمین امنیت محیط مؤثر است. هویت می‌تواند به عنوان یک هدف عملیاتی در فرایند نوسازی در جهت ایجاد شرایط سکونت مطلوب از جمله امنیت مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. مجموعه ویژگی‌هایی است که در طول زمان حضوری مداوم دارند.
۲. Crime Prevention through Environmental Design
۳. Remodeling

فهرست منابع

- تیزدل، استیون، اوک، ترو هیت، تیم. (۱۳۷۹). ارزیابی مجدد کیفیت محله‌های تاریخی شهر. ترجمه: حمید خادمی. مجله هفت شهر، (۲): ۶۱۷.
- محمودی، فیروز و قورچی بیگی، مجید. (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. فصلنامه حقوق، (۲)۳۹: ۳۴۵-۳۶۸
- مهندسين مشاور طرح و معماری. (۱۳۸۹). گزارش ارزیابی طرح نواب و آثار آن بر ساکنان. مرحله دوم. تهران: سازمان نوسازی شهر تهران.
- محمودی‌نژاد، هادی، پورمند، حسنعلی و رنج‌آزمای آذری، محمد. (۱۳۸۹). مفهوم مکان و تصویر ذهنی و مراتب آن از دیدگاه کریستین نوربرگ شولتز. مجله مدیریت شهری، ۸ (۲۶): ۷۲-۹۲.
- معیدفر، سعید و مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای ناپهناجار اجتماعی، (مطالعه محله‌های شهر تهران). مجله مسایل اجتماعی ایران، (۲): ۱۱۵-۱۴۳.

تصویر ۲: مجموعه پروتایگو، تخریب سالن‌هایی که قرار بود فضای جمعی ساکنان باشد. سنت لوئیس، ایالت میسوری، آمریکا. مأخذ: www.pruitt-igoe.com

Pic2. Destruction of galleries which were supposed to be public spaces, St. Louis, Missouri, USA.
Source: www.pruitt-igoe.com

function in enhancing the quality of habitation and can increase participation, commitment and control as well as affecting the security of environment by arousing a sense of place attachment. Therefore, identity can be regarded as a functional objective in the process of renovation in order to create favorable residential condition and security.

Keywords | Urban renewal, Identity, Security, Contemporary renovation, Projects of Navab.

Reference list

- Abram, J. (1999). *L'architecture moderne en France, 1940 - 1966, tome 2*. Paris: Picard.
- Lang, J. (2005). *Urban Design: A Typology of Procedures and Products*. London: Architectural Press.
- Mahmoudi Nejad, H., Poormand, H. A. & Azari, M. (2010). Mafhoom-e makan va tasvir-e zehni va marateb-e an az did-e shultz [sense of place and its Image and in the views of Schultz], *Modiriat Shahri*, 8(26): 72-92.
- Mahmoudi, F. & Ghorchy Beigi, M. (2009). Naghsh-e tarrahi dar pishgiri az jorm [The role of design in crime prevention]. *Journal of Hoghogh*, 2(39): 345-365.
- Moidfar, S. & Moghadam, R. (2010). Naghsh-e hoviat-e mahale dar kahesh va control-e gerayesh be raftaraha-ye nabehanjar [The role of local identity in Reduction and control of maladaptive behaviors]. *Masaele ejtemaei-ye Iran* 1(2): 115-143.
- Newman, O. (1996). *Creating Defensible Space*. Washington: DIANE Publishing
- Prevel, A. (2006). *Paysage urbain, à la recherche d'une identité des lieux*. Lyon: CERTU.
- Tarho Memari consulting engineers. (2010). *Gozaresh-e Arzyabi-ye-tarh-e Navab va Asar-e an bar sakenan* [Report of the evaluation of the Navab project]. Tehran: Renovation organization of Tehran.



The Experiences of Contemporary Renovation from the perspective of Urban Identity

Affiliation of Identity to Urban Renewal

Mahmoud Teimouri, Ph.D Candidate in
Architecture, University of Paris1, France.
mteimoury@gmail.com

Abstract | Identity and security are fundamental requirements of human, which are expected to be fulfilled to reach favorable human habitation noticed in any process of urban renewal. In order to identify how one can reach to these goals in renovation process, this paper first introduces the abstracted concept of urban identity, in which historical continuity and dependence to human mind are two important aspects and have implications in fundamental, psychological (emotional) and cognitive aspect. Moreover, the effects of identity to develop environmental security and to establish relationship between the two, with accomplished social studies, will be examined. According to these studies, local identity is an appropriate agent for developing affinity and place attachment, commitment and participation of people. Through these three elements, a sense of control and social supervision can be evaluated and people's tendency to abnormal behaviors in quarter will be prevented. Therefore, there will be negative tendency for abnormalities in quarters with stronger local identity, social supervision and subsequent security.

In third section inside a brief analysis of physical-center (modernistic) renewal viewpoint, which had been dominant in renewal for years; two projects of Pruitt-Igor of St. Louis and Navab of Tehran, as two typical cases will be examined with two criteria of identity and security. In addition the process of development of insecure and crime- arise space in these places will

be analyzed. This analysis suggests that ignoring existing historical, social and cultural contexts in modernistic renewal can lead to creation of an unidentifiable, abstract and uniform space. This home-like space makes no dependence on its habitants and reduces tendency for participation and controls people and their immigration which may lead to a changing in population composition. These two factors affect insecurity and crime arousal in residential districts. Finally some points about the role of urban identity in making renovation plan and reaching environment security will be suggested, as consequents.

Urban renewal not only created by renovation of building and streets, but also its requisite is paying attention to apparent and hidden collection of intrinsic qualities of urban living such as identity, which is outcome of interaction between bodily, actual and meaningful aspects across the time.

In modernistic renewal approach, mere physical regarding and ignoring local identity and its social- cultural aspects has made new quarters with no favorable identity, despite physical qualities such as resistance, regular face and new welfare facilities. Weakness of local identity in these developed quarters makes a vicious cycle in which leads to inconsistency in social composition and decreases the quality of living with commitment participation and responsibility s well as environmental insecurity.

Identity has a fundamental role and